

انتخابات، دموکراسی و پارلمان ابزار سلطه گری امپریالیسم اشغالگر

لشکرکشی مستقیم استعمارگران و ادامه سلطه استعماری آنان در کشور های مورد یورش شان علاوه از سلاح و سربازان اشغالگر، نیازمند یک پایگاه اجتماعی و شیوه ها، شگردها و ابزار های دوام چنین حاکمیتی ظالم، ستمگر و غارتگر است. استعمارگر علاوه از قدرت آتش برای سرکوب خلق کشور مورد تجاوزش، ابزار ها و شیوه های نرم اغواگرانه را برای وارونه جلوه دادن حقائق و فریب مردمان و به گمراهی کشانیدن فریب خوردگان و ناآگاهان و به خدمت گرفتن آنان در کنار نیرو های متحد اساسی استعمار و امپریالیسم در کشور مستعمره و تحت سلطه، به کار می گیرد. دموکراسی، انتخابات، جامعه مدنی، احزاب سرکاری، رسانه های گنگ به ظاهر مستقل، آزادی بیان استعماری، حقوق بشر استعماری، حقوق زن استعماری و غیره، از این جمله اند.

اشغالگران امریکائی و متحدان بی آرم ناتوئی شان نیز علاوه از قتل عام مردم آزاده افغان در این ۱۷ سال تمام، با مصرف پول گزاف و ایجاد سر و صدای رسانه ئی در این روز ها دندوره انتخابات کذائی طویله پارلمان مستعمراتی را تحت نام فریبنده به اصطلاح "ولسی جرگه" همراه با غلامان استعمار در رژیم مزدور کابل با مالیدن سُرخاب و سفیداب به چهره های کریه مزدوران و با هزار و یک رنگ و نیرنگ استعماری به راه انداخته اند تا برای یک دوره چهار ساله مؤیدان تجاوز و اشغال را در قوه مقننه رژیم پوشالی داشته باشند.

سازندگان رژیم منفور مزدور می خواهند سیستم خون آشام امپریالستی خویش را به جهانیان قسمی وانمود نمایند که در رژیم های تحت اداره آن ها حقوق اتباع کشور مستعمره را مراعات شده و علاوه از زراد خانه ابزار کشتار امپریالیسم، خلق تحت ستم و محکوم افغانستان مشمول الطاف امپریالیسم متجاوز و آدمکش نیز می شوند. گویا امپریالیست ها در راه تحقق رسالت متمدن سازی خلق ها و ملل "عقب مانده جهان سومی" به جد در پی ترویج و تحقق مدرنیسم و دموکراسی کذائی سبک امریکائی بوده و به رد یابی تروریسم و بنیادگرایی اسلامی به سرزمین های دیگران شتافته و در آن جا ها به نیت خیر نیروی نظامی فرستاده اند؟!

مردم و قاطبه نیرو های آزادیخواه و مترقی کشور ما شعار های دروغین، ماهیت، نیات و چهره کریه این «ببر کاغذی» را پیش از اشغال مهین شان در (هفتم اکتبر ۲۰۰۱)، از خلال جنایت هایش در ویتنام تا اقصی نقاط دنیا و هم چنان در جریان جنگ علیه سوسیال امپریالیسم متجاوز روس، با مداخلات و مرتجع و تروریست پروری اش، از خلال جنایات مجاهد و طالب و داعش در کشتار و ویرانی گسترده وطن شان، شناخته و با پوست و گوشت خود لمس کرده اند.

هموطنان با درد و با درک ما خوب به یاد دارند که چگونه مردم ما طی چهل سال تمام در دام سگ های هار و اژدهای هفت سر هفت گانه و هشت گانه این فرزندخوانده ها و دست پروردگان "رونالد ریگان" و "بوش" پدر و پسر "اسیر بوده و قربانی وحشت و بربریت این دار و دسته های شیر، ویرانگر، قاتل و خون آشام مزد بگیر بوده اند. امروز با تولد و بسیج نسل وحشی تر و خونخوار تر و خیانت پیشه تر دیگری از بطن چرکین امپریالیسم به نام طالب و داعش، تکنوکرات (نوچگان حرامزاده وطن فروش) و روشنفکر اخته در حال در حال سجود د به پای استعمارگر در راستای تداوم سلطه زورگویانه امپریالیسم امریکا و شرکای جرمش در کشور برای غارت منابع ارزشمند طبیعی و ثروت های دست نخورده در افغانستان و منطقه استخدام شده اند. هم دیروز و هم امروز امپریالیسم اشغالگر در پناه قدرت نظامی اش تعدادی از این جانوران درنده و بی احساس را که از خون و گوشت خلق مظلوم ما تغذیه می کنند و فربه شده اند، به نام وکیل، وزیر و رئیس بر خلق ما تحمیل کرده و می کنند.

اکنون اشغالگران امریکائی و متحدان جنایت شان در سرزمین به خون غنوده ما برای اغوای فکری عده ئی از ساده لوحان درامه انتخابات کذائی پارلمانی را به راه اندخته اند تا با این خیمه شب بازی توانسته باشند در کشوری به تمام معنی اسیر؛ دریند و منقاد استعمار، مزدوران را با مشق و تمرین " دکوراسی " سرگرم ، جهانیان از حقیقت بی خبر را اغواء و مردم افغانستان را فریفته و مصروف نگه دارند.

حال آن که سرزمین افغانستان هم اکنون به زیر سلطه قهار قوای اشغالگر امریکا و متحدان ناتوئی آن قرار داشته و بالای زمین و فضای آن اشغالگران تسلط دارند و بر مردم ما امر و نهی می کنند و ارباب و اختیاردار این ملک و ملت هستند. در این کشور اشغال شده ما تمام زمام اختیارات، نصب و عزل از طریق سفارت امریکا در کابل تحت نظارت قرار داشته و در میان جناح های مختلف حاکم در اداره رژیم مزدور تضاد های منفعتی حادی به میان آمده و هر دم رو به افزایش است. در چنین موقعیتی، غلامان دولت مزدور کابل از سردسته و وطنفروشان یعنی "غنی" تا پایان، صلاحیت تقرر یک مدیر و ولسوال را بدون دستور و مشوره اربابان امریکائی و ناتوئی خود ندارند.

در یک چنین اوضاعی، داد زدن مزدوران از انتخابات و یا هم خود را کاندید نمودن و یا هم رای دادن به جز از خدمت نمودن به اشغالگران امریکائی — ناتوئی و خیانت به مادر وطن، چیز دیگری نخواهد بود! امپریالیست های اشغالگر همانند اسلاف روسی شان طی این ۱۷ سال اشغالگری و کشتار در افغانستان، از روز های اول در پهلوی ریختن خوراک ها بمب روی هموطنان آزاده و غیرنظامیان بی گناه ما، برای اغوای ناآگاهان، غوام الناس و خلق های غافل کشور های خود و جهان؛ از روند ها و ابزار های به ظاهر دموکراتیک مثل تفکیک ظاهری قواء در دولت مزدور، ایجاد پارلمان پوشالی به حیث قوه قانون گذار و جمع کردن تعدادی مفسد در طویلۀ پارلمان، انتخابات، رأی گیری، رسانه های رنگین، "جامعه مدنی" معاش خوار، ایجاد احزاب ثبت شده مفتن حتی در ظاهر علیه اشغالگر و اشغالگری، و غیره نیرنگ های استعماری کار گرفتند.

مگر هموطنان آگاه، با درد و با احساس ما طی این ۱۷ سال شاهد این رنگ و نیرنگ استعماری نبوده اند؟؟ مگر در «انتخابات» پرتقلب قبلی مردم شاهد افتضاح جهانی ارباب زورگوی اشغالگر و مزدوران شان بر سر گزینش دو مزدور "غنی" و "عبدالله" نبودند؟؟ آخر و عاقبت کار چه شد و به کجا کشید؟؟ مگر مردم به درستی همین رژیم خیانت ملی "غنی — عبدالله" را رژیم ساخت "جان کری" نمی نامند؟؟ کارش به کجا کشیده است؟؟ آیا مردم ما شاهد نبوده اند که همین وکلای خودفروخته رشوت خور و مافیائی در طویلۀ پارلمان متن قرارداد پیمان امنیت و نظامی با امریکا (بخوان پیمان فروش درازمدت کشور شان) را بدون اگر و مگر و بدون هیچ پرسشی تصویب کردند؟؟ مگر همین پارلمان پوشالی مستعمراتی به حیث یکی از سه رکن اساسی دولت مزدور ساخت اشغالگران تا حالا غیر از غرق بودن در قانون شکنی، غدر و خیانت و فساد، پارتی بازی و هزار جرم و جنایت دیگر...، کاری برای بهبود حال زار مستمندان و نیازمندان جامعه انجام داده است؟؟ آیا همین قدر فاکت ها و سؤال ها کافی نیست که نتیجه بگیریم که پارلمان در افغانستان مستعمره امروزی، "ابزار اشغالگر" است که در صدد است به کمک آن، تجاوز و جنایات روزمره اش را پرده پوشی کرده، اشغالگری و تجاوزش را کم رنگ جلوه داده و رژیم خیانت ملی برخاسته از تجاوزش را برخاسته از پروسه "دموکراتیک" برآمده از اراده مردم کشور خوانده و بالوسیله به آن زنگ افغانی و "قانونی" زده است؟؟ آیا لازم نیست کسی که پای صندوق رأی این انتخابات رسوای غلامان امپریالیسم اشغالگر می رود، قبل از رأی دادن به این سؤال های بالا فکر کند؟؟

تجربه عملی نشان داده است که در دور گذشته آن عده از افرادی که در رأی گیری سهم گرفته بودند، عملاً به خود دشنام می دادند و نفرین می فرستادند. مردمی که در ظاهر رأی دادند و به اراده اشغالگران گردن گذاشتند، به نصب قلدرائی به نام وکیل بالای سر خود رضایت دادند که علاوه از خدمت به اشغالگر، به جز از چور و تاراج دارائی مردم، تباخی با ارگ غلامان، باج گرفتن و فعالیت مافیائی، دیگر مصروفیتی نداشتند. این گونه عملکرد طویلۀ نشینان و بدنامی این وکلای مورد نظر و معاش خوار اشغالگران، اظهر من الشمس بوده است.

سهم داشتن در چنین پروسه ای، جز صحه گذاشتن بر سند اسارت و بردگی و همپا بودن با رژیم مزدور دزد و فاسد و باداران اشغالگر آن؛ هیچ معنی و مفهوم دیگری را نمی تواند تداعی نماید. آن عده افراد مفلوک و خودفروخته ای که با هر نیتی ولو در ظاهر خیرخواهانه در چنین خیمه شب بازی اشغالگران به صفت کاندیداتور در طویلۀ خانه به اصطلاح "ولسی جرگه" اشتراک می نمایند؛ یا جواسیس معلوم الحال دول اشغالگر و مغرض بیگانه اند و یا هم توله سگان زورمندان، قوماندانان، میرغصبان جهادی، خلقی و پرچمی و یا خود شان روشنفکران تسلیمی اند که با مصرف نمودن پول هنگفت دزدی، به پارلمان رژیم پوشالی نصب و سپس در چپاول صد ها و هزاران برابر آن از دارائی های این سرزمین و ارزش های معنوی آن با اشغالگران یک جا شرکت می کنند. گزینش نهائی یا (OK) این وکلای در ظاهر انتخابی یا انتصابی توسط

منابع و نهاد های اشغالگران، منوط به پیش شرطی است که این "وکلائی" راه یافته به نهاد های قانونگذار دولت مزدور اشغالگران باید بدون چون و چرا به تصویب قوانین، معاهدات و قرارداد های اسارتبار، تاراجگر و نابرابر سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و سایر خواست های ناجایز تحمیلی استعماری امپریالیست ها عمل نموده و بر آن صحنه بگذارند.

این وکیل های نام نهاد زمانی انتصاب شان از سفارت امریکا تائید می شود که کاملاً مهر غلامی را در پیشانی شان حک کرده باشند و درس غلامی و مزدوری را کاملاً آموخته باشند تا چگونه در مقابل باداران اجنبی خویش سر تعظیم فرود بیاورند و چگونه به امر و نهی آنها خم و راست شوند. این خودفروختگان، اما غافل از آنند که این مردم دراک ما هیچ گاهی فریب بازی و شیطنت این جنایات کاران و سردمداران امریکائی شان را نخواهند خورد، با چهره های پلید هر یک شان آشنا و به نامزدان طویله خانه نظام پوشالی رأی نه، بلکه نفرین می فرستند.

تنها در شهر کابل ۸۵۰ نفر خود را کاندید کرده اند که منجمله ۳۳ نفر شان فعلاً در طویله پارلمان سر در آخور دارند. تعدادی از این جمله جنایتکار ترین و خوخنووار ترین کاندیدای کابل افرادی از ولایات مختلف اند که از فرط رسوائی در ولایت مربوطه، خود را برای مردم فریبی از کابل انتخاب کرده اند. اشغالگران و دولت مزدور با وعده و وعید، با رشوت و جیب خرجی ها غرض مشروعیت بخشیدن نظام پوشالی مزدور این هشتصد و پنجاه نفر بی مسؤولیت را در کابل به کوچه و پس کوچه ها و خیابان ها به در خانه و دکان مغازه مردم به گدائی رأی سوق داده اند. این دلقکان با ایجاد مزاحمت های فراوان، از نصب فوتو تا سر و صدا ها و هیاهو با دهل و سرنا؛ نظم عادی زندگی در شهر را مختل و مردم ما را خسته ساخته اند.

در گرماگرم مبارزات انتخاباتی مزدوران استعمار (که مزدوران اشغالگران مثل اربابان شان آن را کمپاین می خوانند) لابی های اشغالگران در بین مردم جهر می زنند که به کاندید ها و افراد خوب رأی بدهید. در این جا منظور از کاندید های خوب، مهره های وفادار به اشغالگران امریکائی و ناتوئی است.

این بی خردان نمی دانند که در نظام "جان کری" کدام اراده ملت تمثیل می شود؟؟ معیار خوب و بد در همین وضعیت مستعمره بودن وطن کدام است، در حالی که هر دو، تحت امر و نهی یک آمر اجرای وظیفه می کنند؟؟ با ادامه چنین وضع، البته که نارضایتی مردم ما نسبت به گذشته از دولت پوشالی و با انتخابات قلابی دیگر، بیشتر شده و مزدوران دولت ضد ملی کابل و اربابان و مهندسان امریکائی — اروپائی انتخابات مهندسی شده بیشتر مفتضح و رسوای عام خواهند شد. رسوائی و در نتیجه شکست و افتضاح این انتخابات مزدوران امریکا از همین اکنون آشکار است.

نتیجه این انتخابات پرتقلب برای گزینش مهره های وفادار و مطیع به اشغالگران؛ خود به عنوان یکی از چندین عوامل، دولت پوشالی را نزد مردم منفور تر و منزوی تر از پیش ساخته و به یقین بر مشکلات، چند دستگی و رسوائی دولت مزدور درگیر در تخاصمات جناحی و اربابان اشغالگر آن می افزاید. برای اشغالگران و اربابان امریکائی و ناتوئی نیز — به رغم نظارت اروپائی ها و رضایت سازمان ملل از شفافیت؟ تقلب — این درامه مضحک انتخاباتی پرهزینه و مملو از تقلب و ریا در کشور مستعمره ای با میلیون ها انسان گرسنه به اراده استعمارگران، نیز گران تمام خواهد شد و به زودی گند رسوائی آن مشام جهانیان را خواهد آزردا

این مزد بگیران بیگانه می خواهند افکار مردم را به موضوعات فرعی و حاشیه ئی مصروف نموده و با ایجاد استخوان شکنی و درگیری درونی به نام های قوم و تبار در میان کاندیداتوران مزدبگیر شان، مردم بیگناه و غافل ما را توسط آنان پارچه پارچه ساخته و این نفاق را حتی تا سرحد مشت و یخن و دشنام به درون جرگه مزدوران خود سرایت دادند تا در این کشور اسیر هیچ کس، حتی مزدوران استعمار هم متحد و مورد اعتماد یک دیگر نباشند و صرف به دشمن بیرونی اعتماد کنند. آری، این است سیاست کهن استعماری "تفرقه بینداز، حکومت کن!".

تاریخ آمیخته با جنایت و خون استعمار در کشور های دربندی مثل افغانستان امروزی به صراحت نشان می دهد که به کارگیری ترفند ها، حیل و ابزار سرکوب استعمارگران در درازمدت نتوانسته در برابر اراده خلق های تحت ستم مؤثریت داشته باشد. بر این اساس و منطق، این بار نیز اشغالگران امریکائی شاید چند صباهی به دلیل چند پارچگی مردم ما و نبود زعامت خبره و متعهد ملی — مترقی در پیشاپیش اعتراضات و مخالفت های برحق خلق ما، سود برند و ترفند های شان برای مدت محدودی کارگر بیفتد، اما از آن جایی که اشغالگری و ستم ملی در سرزمین

ما بیداد می کند، طبیعی است که مقاومت خلق ما را به همراه خود خواهد داشت. مبارزه و مقاومتی که سرانجام دولت خیانت ملی محصول تجاوز و اربابان متجاوز و اشغالگر آن را طرد و زنجیر اسارت و بردگی را خواهد گسلید. در این برهه خونین تاریخ کشور اشغالی ما، بهترین گزینه و انتخاب مردم افغانستان نه گفتن به نیرنگ انتخاباتی اشغالگران و دلکان بومی شان و به جای آن، تلاش برای سازماندهی مقاومت برحق ملی در سطوح و اشکال مختلف است. این است دوی درد مردم و کشور ما!

مرگ بر استعمار، ترفند ها و مزدورانش!

دولت مزدور و پارلمان مستعمراتی، از آن مردم نیست!

شرکت در رأی دهی برای مهره های اشغالگران: **نه!**

تحریم انتخابات و کاندید های پوشالی استعمار: **آری!**